بسم‌الله الرحمن الرحیم

[استدلال به آیه نفر 2](#_Toc434311935)

[شواهد مقابل اطلاق 2](#_Toc434311936)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc434311937)

[دلیل اول 2](#_Toc434311938)

[جواب سوم از دلیل فوق 2](#_Toc434311939)

[تشریح بحث 2](#_Toc434311940)

[احتمالات در حذر 2](#_Toc434311941)

[احتمال اول 3](#_Toc434311942)

[احتمال دوم 3](#_Toc434311943)

[علیت بحث 3](#_Toc434311944)

[نتیجه‌گیری 3](#_Toc434311945)

[مناقشه در بیان فوق 3](#_Toc434311946)

[جمع‌بندی 3](#_Toc434311947)

[احتمالات در بیان اخیر 4](#_Toc434311948)

[احتمال اول 4](#_Toc434311949)

[احتمال دوم 4](#_Toc434311950)

[بیان چهارم در بحث 4](#_Toc434311951)

[نتیجه‌گیری 4](#_Toc434311952)

[راه عقلی بیان فوق 5](#_Toc434311953)

# استدلال به آیه نفر

# شواهد مقابل اطلاق

# مرور بحث گذشته

گفتیم در نقطه مقابل شواهد در مقام بودن آیه نفر، شواهدی در جهت مخالف اقامه‌شده است. چراکه استدلال به آیه مستلزم شمول امر به حذر بود حتی نسبت به موردی که مخاطبین علم به‌واقع پیدا نمی‌کنند. در اینجا باید گفت اطلاق این مورد را می‌گیرد تا حجیت تمام شود.

# دلیل اول

اما این اطلاق شکل نمی‌گیرد. دلیل اول دور بود که از کلام مرحوم شیخ استفاده می‌شد، تمسک به اطلاق در اینجا یا مستلزم دور است و یا تمسک به عام در شبهه مصداقیه خواهد بود. این جامعی از بیان مرحوم شیخ و آقا ضیاء بود. توقف حجیت بر اطلاق و برعکسان و استدلالاتی که در جلسه گذشته بیان شد.

## جواب سوم از دلیل فوق

چند جواب در اینجا ذکر شد که گفته شد آنان خالی از اشکال نیست. جواب سوم کلامی است که از مرحوم شهید صدر نقل‌شده است که می‌شود اطلاق و حجیت را استکشاف کرد بدون اینکه به دو مانع گفته‌شده برخوریم.

## تشریح بحث

به این بیان که تاکنون ما حذر را فرمان و حکم تکلیفی تلقی می‌کردیم و از این تکلیف می‌خواستیم حکمی وضعی استکشاف شود. ایشان احتمالاً می‌خواهند بفرمایند این خطاب حذر در ابتداء کنایه از حکمی وضعی بوده است.

## احتمالات در حذر

توضیح بیشتر مسأله این است که در حذر در اینجا دو احتمال است؛

## احتمال اول

احتمال اول این است که مراد از آن ترغیب به حذر است و این بیان ترغیبی همان مراد است و این جمله در هیأت بعثیه، امر و طلب استعمال شده است که بنابراین احتمال، این حکم تکلیفی است.

## احتمال دوم

احتمال دوم این است که گفته شود که حذر از ابتداء بیانی کنایی از حجیت است.

## علیت بحث

چراکه تعبیر از حجیت یک قول به یکی از این دو صورت، بیان می‌شود و صورت دوم مثل‌اینکه صدق زرارة؛ این جمله حکم تکلیفی نیست که به نحو التزامی کشف حجیت شود بلکه مدلول مطابقی این امر بعث نیست بلکه مفهومی کنایی است که کلام زراره حجت است. لذا به داعی کنایه مورد استعمال قرارگرفته است.

## نتیجه‌گیری

در این صورت قضیه متفاوت خواهد شد و سخن آنان کاشف از واقع است و اشکالات دور و دیگری به وجود نخواهد آمد. چراکه در این حالت مسیر استدلالی متفاوتی را می‌پیماییم و در اینجا حذر یعنی قول المفتی او المنذر حجة.

## مناقشه در بیان فوق

اما اشکال این بیان، ضمن قبول داشتن وجود کنایه بدین‌صورت در برخی صور، این است که این احتمال خلاف ظاهر است چراکه ظاهر این است که حذر در اینجا به همان ترغیب و بعث حذر و تحذر حمل شود.

به‌عبارتی‌دیگر اصل در کلمات و جملات این است که حمل بر کنایه نشود.

## جمع‌بندی

حداقل این است که این احتمال با احتمال اول هم‌وزنی‌ای دارند و موضوع حجیت را در هر دو مورد باید بتوان تصویر نمود.

## احتمالات در بیان اخیر

البته می‌توان گفت در فرمایش ایشان دو احتمال است؛

## احتمال اول

مراد ایشان از کنایه ترجی و بعث استعمالی است ولی داعی حقیقی ایشان بعث نیست.

## احتمال دوم

 احتمال دیگر اینکه کنایه باشد که هر دو این احتمالات خلاف ظاهر است. هرچند خلاف ظاهر بودن در کنایه مقداری بیشتر است.

## بیان چهارم در بحث

اما اگر به‌احتمال اول که احتمال ظاهر است، بیان چهارمی شکل خواهد گرفت. آن بیان این است که شمول حذر به غیر احوال علم تنها مستند اولیه کونه در مقام بیان نیست بلکه در اینجا قرائنی وجود دارد که این حالت را دربر می‌گیرد.

در اینجا چندین شاهد خاص ارائه می‌شد که جمع آن شواهد اطمینان مناسبی را ارائه می‌داد که حذر به موردشک را تعمیم می‌داد. و ازجمله شواهد مهم آن، نادریت حمل بر مورد علم است.

## نتیجه‌گیری

با توجه به این مقدمه جواب چهارم می‌تواند بدین‌صورت باشد که متعلق وجوب عمل مورد انذار منذر است و در این خطاب تکلیفی واقع بودن آن را اخذ نمی‌کنیم که در مسیر دور قرار بگیریم.

هرچند از دید او انه هو الواقع است. لذا در صورت شک نیز به عام تمسک می‌کنیم.

## راه عقلی بیان فوق

راه عقلی این بیان است که دو مطلب باید اصل گرفته شود؛ این آیه باید حتماً صورت ظن و شک را دربر گیرد و الا مبتلابه حمل بر صورت نادر است. و دوم اینکه عمل به‌واقع از حیث واقع نیست.

هردو اصل بیان‌شده، استدلالی و برهانی است و از طرف دیگر نیز ظاهر حذر در اینجا امر است.